ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
چهار شنبه • ۲ شهریور ۱۴۰۱
۲۶ محرم ۱۴۴۴ • ۲۴ آگوست ۲۰۲۲
شماره ۲۱۰۱۶
۲۲۳۶

تماشای آسمان؛ هدیه به همه

گفت‌وگو با مردی که با تلسکوپش به روستاها و شهرهای محروم از امکانات سفر می‌کند تا سهم‌شان از تماشای زیبایی‌های آسمان را به آن‌ها برگرداند

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

«بچه که بودم، شب‌های تابستان همه زیر طاق آسمان سپری می‌شد. منتظر بودیم مدرسه تعطیل شود تا راهی روستای پدری شویم، جایی نزدیکی طالقان با آسمانی که آلودگی نوری دستش به آن نرسیده بود. روی پشت‌بام که دراز می‌کشیدیم، ستاره‌ها انگار یک وجب از ما فاصله داشتند. دلم می‌خواست بفهمم آن بالا چه خبر است اما راهی نداشتم جز یک کتاب «عصر فضا» که هدیه‌ای از طرف عمویم بود و یک دوربین تک‌چشمی که با آن ماه را تماشا می‌کردم. آرزو داشتم یک تلسکوپ بزرگ داشته باشم تا هم خودم سر از آسمان دربیاورم و هم زیبایی‌هایش را به دیگران نشان بدهم. حالا این آرزو برآورده شده است.» این شروع قصه «اکبر نعمتی» است. کسی که چند ماهی است با خودرو شخصی دل به جاده می‌زند، سر از روستاها و شهرهای دور از امکانات درمی‌آورد و با تلسکوپش برنامه رصد آسمان برپا می‌کند. اکبر نعمتی، ۴۳ ساله است و اهل تهران. کارشناسی مهندسی مکانیک، کارشناسی زبان اسپانیایی و ارشد محیط‌زیست دارد، عکاسی حرفه‌ای می‌کند، در حوزه گردشگری دستی بر آتش دارد و مدیر «دانشنامه پرندگان ایران» است اما اگر ازش بپرسید شغل‌اش چیست، جواب می‌دهد: «طراحی سایت»! او که سال‌ها در حوزه نجوم مطالعه آزاد داشته و تجربه برگزاری برنامه‌های رصدی دارد، حالا مدت کوتاهی است پروژه «آسمان شب برای همه» را راه انداخته است. در ادامه گفت‌وگوی من با این مهندس همه‌فن حریف را می‌خوانید.

همه‌چیز از یک سفر اتفاقی شروع شد

ماجرای سفرهای تلسکوپی اکبر نعمتی از حدود دو ماه پیش شروع شد: «در دنیا سال‌هاست که در یکی از روزهای تعطیلات آخر هفته بین پانزدهم آوریل تا پانزدهم می، یعنی وقتی ماه در حالت تربیع باشد (حالتی در ماه که یک چهارم از آن روشن باشد یعنی نصف نیمکره آن را مردم زمین ببینند)، هفته نجوم آغاز می‌شود که تمرکزش بر فعالیت‌های ترویج علم و برنامه‌های رصدی است. ستاره‌شناسی، جزو علوم پرچمدار ترویج علم در دنیاست. یعنی وقتی می‌خواهند علم را به زبان خودمانی به مردم معرفی کنند، با ستاره‌شناسی شروع می‌کنند و از آن جایی که تقریبا همه علوم پایه به نجوم متصل‌اند، آشنایی با این رشته در واقع پایه آشنایی با ریاضی، شیمی، فیزیک و محیط‌زیست است. فرقی هم ندارد که مخاطب یک کودک باشد یا فردی سالخورده، علاقه به نجوم و رصد آسمان، سن‌وسال نمی‌شناسد. در ایران مجله «نجوم» بود که در سال ۸۴ برای اولین بار هفته نجوم برگزار کرد و کم کم شهرهای دیگر هم به این برنامه پیوستند. تا این که انجمن نجوم این فعالیت‌های پراکنده را در قالب یک برنامه‌ریزی مدون، سامان داد و حالا سالی یک بار شانس عمومی تماشای آسمان به همه مردم روی می‌آورد، البته نه دقیقا همه مردم بلکه کسانی که در شهرهای برخوردار از امکانات زندگی می‌کنند. من هم سال‌هاست در برنامه هفته نجوم در تهران غرفه ترویج علم دارم، مسابقه برگزار می‌کنم و به برنده تلسکوپ هدیه می‌دهم. امسال حدود یک ماه بعد از برگزاری هفته نجوم، خیلی اتفاقی در فضای مجازی با یک کتابخانه در روستای «دهگهان» کرمان آشنا شدم که به کوچک‌ترین کتابخانه ایران معروف شده است. به مسئول کتابخانه پیام دادم و پرسیدم که مایل‌اند برای‌شان برنامه نجومی برگزار کنم. جواب مثبت بود و اوایل تیر ماه امسال راهی دهگهان شدم.»

شریک شدن آسمان با دیگران رویای کودکی‌ام بود

آقای نعمتی می‌گوید: آرزوی بچگی‌اش یعنی نشان دادن آسمان به دیگران، همیشه پس ذهنش بوده اما در حد یک رویا و حتی تصمیم سفر به دهگهان هم باعث نشده که به آن به چشم پروژه‌ای انجام‌شدنی نگاه کند اما تجربه این سفر، ماجرا را طور دیگری پیش می‌برد: «سفر به دهگهان را طوری برنامه‌ریزی کرده بودم که هفته اول ماه قمری باشد و بتوانیم ماه را رصد کنیم. شب اول بعد از یک ساعت رصد، هوا ابری شد و ابر جلوی ماه را گرفت. هواشناسی می‌گفت تا ساعت ۲ بامداد آسمان باز می‌شود. برای مردم شرایط را توضیح دادم. عده‌ای همان جا ماندند و عده‌ای دیگر رفتند و رأس ساعت برگشتند تا برنامه رصدمان را ادامه بدهیم. دیدن این ذوق و علاقه آن‌قدر هیجان‌زده‌ام کرد که تجربه‌ام را توئیت کردم. سیل واکنش‌های مثبت سرازیر شد، خیلی‌ها پیام دادند و خواستند که به شهر آن‌ها بروم. راستش قصد من از سفر به دهگهان صرفا این بود که یک برنامه ترویج علم در جایی غیر از تهران برگزار کنم و هیچ ایده‌ای درباره مداومتش نداشتم اما واکنش مردم را که دیدم، فکر کردم باید این کار را در شهرها و روستاهای دیگری که به امکانات رصد دسترسی ندارند، پیگیری کنم.» دهگهان و کهنوج و رستم‌آباد در کرمان، ملایر در همدان، مریوانِ کردستان و نودشه در کرمانشاه، جاهایی هستند که نعمتی در همین مدت کوتاه در آن‌ها برنامه رصد را برگزار کرده است. تجربه تماشای آسمان در نودشه که هنوز آثار جنگ بر چهره دارد، جزو ماندگارترین‌ها بوده است: «جایی که تلسکوپ را برپا کردیم، نزدیک مرز ایران و عراق بود. این فکر مدام توی سرم بود که آسمان، مرز ندارد. فرقی نمی‌کند روی زمین در کدام مرزهای سیاسی باشی، تماشای آسمان همه انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد.»

مردم در خانه‌شان از من پذیرایی می‌کنند

اکبر نعمتی وقتی مقاصد سفرش را مناطق محروم انتخاب کرد، می‌دانست با چه چیزی مواجه خواهد شد با این حال آن‌چه همزمان باعث شگفتی و انگیزه‌اش می‌شود این است که دغدغه‌های معیشتی نتوانسته دغدغه دانستن و آگاهی را در دل مخاطبانش خاموش کند: «بیشتر جمعیت نودشه، کولبر هستند. در برنامه رصد خیلی از بچه‌هایی که آمده بودند از کولبرها بودند. مردم برایم تعریف کردند که وقتی سال گذشته یک‌ونیم متر برف در روستای‌شان بارید، پنج روز تمام به آب و برق دسترسی نداشتند و راه را خودشان باز کردند چون از طرف مراجع رسمی هیچ کس سراغی از شان نگرفت. شب اول می‌توانم بگویم حدود ۲۵۰ نفر در برنامه شرکت کردند، بدون آن که اطلاع‌رسانی خاصی انجام شده باشد. عکس‌های برنامه که رفت توی کانال تلگرامی روستا، اقامتم در آن جا یک شب دیگر تمدید شد چون خیلی‌ها ناراحت بودند که شب اول نتوانستند شرکت کنند.» ادامه دادن پروژه آسمان شب، قطعی است اما کسی که برای چندوچونش تصمیم می‌گیرد حالا دیگر نه اکبر نعمتی، بلکه دوستداران آسمان‌اند. «از شهرهای مختلف با من تماس می‌گیرند و دعوتم می‌کنند. چندوقت پیش تماسی از زابل داشتم. گفتند توفان شن که تمام شد، دوست داریم بیایی این جا. شهر کردی‌ها زنگ زدند و گفتند ۱۰ روز است که آب نداریم و نمی‌توانیم دعوتت کنیم اما شرایط که عادی شد، حتما بیا. از سمیرم اصفهان هم تماس داشتم. احتمالا برنامه بعدی سمیرم خواهد بود.» می‌پرسم هزینه این سفرها از کجا تأمین می‌شود؟ می‌گوید: «کاملا شخصی است. البته بگویم که هزینه این سفرها صرفا شامل رفت‌وآمد و تعمیر خودرو است. اقامت و خورد و خوراک را اهالی شهر و روستای مقصد تقبل می‌کنند.»

کمبود امکانات، حریف میل به آگاهی نمی‌شود

«چطوری می‌شه فضانورد شد؟ ستاره‌شناسی، رشته دانشگاهی داره؟ نجوم بخونیم، کار پیدا می‌شه؟» اکبر نعمتی می‌گوید، از سوال‌هایی که بچه‌ها می‌پرسند، دلگرم می‌شود چون دست کم در ذهن عده‌ای از آن‌ها جرقه‌ای برای رفیق شدن با آسمان زده می‌شود: «اگر برنامه‌های رصدی باعث شود که فقط یک نفر، علاقه‌اش را پیدا و راه تحصیل و شغل آینده‌اش را متناسب با آن انتخاب کند، برای من کافی است. البته بچه‌های روستا با آسمان بیگانه نیستند. در مناطق دور از شهر، آسمان آن‌قدر تاریک است که مردم حتی به دیدن راه شیری عادت دارند اما وقتی جزئیات بیشتری از فضای بالای سرشان می‌بینند، ذوق کردن‌شان تماشایی است؛ حفره‌های ماه، قمرهای مشتری، حلقه‌های زحل برای‌شان خیلی جالب است؛ به‌ویژه برای آن‌هایی که توی کتاب‌های درسی‌شان چیزی درباره این‌ها خوانده‌اند. بعد از برنامه، کمابیش ارتباطم با بچه‌ها از طریق فضای مجازی حفظ می‌شود. الان بچه‌های مریوان مشغول هماهنگی با کردستان عراق‌اند که پروژه آسمان شب را در سلیمانیه هم برگزار کنیم. نماینده پارلمان کردستان عراق که استوری فعالیت‌های ما را دیده بود، ابراز تمایل کرد که آن جا هم برنامه داشته باشیم و حالا خود بچه‌ها مسئولیت هماهنگی‌اش را برعهده گرفته‌اند.» اکبر نعمتی با تلسکوپش، به کسانی که سهمی از شگفتی‌های آسمان ندارند، فرصت تماشا هدیه می‌دهد اما آیا این کار، لبه تیز و سویه مخالفی ندارد؟ به بچه‌های بی‌بهره از امکانات این پیام را نمی‌دهد که علمی وجود دارد که می‌شود با آن فضای بالای سر را شناخت اما این علم، مال تو نیست؟ نعمتی می‌گوید: «در مریوان دختربچه هفت، هشت ساله‌ای همراه پدربزرگش آمده بود برای رصد. موضوع بحث درباره چگالی زحل بود و من گفتم چگالی زحل از آب کمتر است. دختربچه رو به جمع توضیح داد منظور از این حرف این است که اگر یک اقیانوس داشته باشیم و زحل را توی آن بیندازیم، می‌آید روی آب. در تمام طول بحث، توضیحات من را به کردی برای بقیه ترجمه می‌کرد و چیزهایی را که بلد بود، اضافه می‌کرد. فهمیدم مادرش برایش کلی کتاب می‌خرد و خودش هم شیفته مستندهای علمی است. تجربه آشنایی با این بچه می‌گوید، لازم نیست بابت نکته‌ای که مطرح کردید، نگران باشم. بچه‌های مناطق کم‌برخوردار به‌رغم نبود امکانات، می‌توانند راهشان را پیدا کنند اما قابل انکار نیست که مسیر سخت‌تری پیش رو دارند.»

پروژه آسمان شب بین‌المللی خواهد شد

عجیب نیست که یک نفر کار و زندگی‌اش را برای مدتی هر چند کوتاه رها کند تا آسمان را با دیگران شریک شود؟ نعمتی می‌گوید: واکنش مردم بیشتر از این که نشان تعجب باشد، حاکی از قدردانی است. «شب اول برنامه رصدی بارها از زبان مردم شنیدم که تو این همه راه به خاطر ما آمدی. هیچ کس از مسئولان به ما توجه نمی‌کند و تو نمی‌دانی چه کار بزرگی برای‌مان انجام دادی. شنیدن این حرف‌ها اشکم را درآورد چون اصلا فکر نمی‌کردم که چنین کاری آن‌قدر در نظرشان ارزشمند باشد. از نودشه که به سمت مریوان می‌رفتم، در روستای «هجیج» با آقایی آشنا شدم. دعوتم کرد به خانه‌اش ولی چون برنامه رصد داشتم، نپذیرفتم. به جبران تعارفش آدرس محل برنامه را برایش فرستادم. شب بعد با عروس و دامادو ۱۰ تا ۱۵ نفر از اعضای خانواده‌اش آمد برای رصد. محل رصد، خارج از شهر بود. کلی رانندگی کرده بودند که خودشان را به برنامه برسانند. این قدرشناسی و علاقه برای من خیلی ارزشمند است.» اکبر نعمتی می‌افزاید: به‌رغم آن که پیام‌های تحسین‌آمیز زیادی دریافت کرده، هنوز کسی حاضر نشده است که در برنامه‌های رصدی به او بپیوندد. «البته قابل درک است. در شرایط سخت اقتصادی فعلی نمی‌شود از کسی توقع داشت که چندروز از کارش بزند و خودش را در شرایطی ناآشنا و غیرقابل پیش‌بینی قرار بدهد. من اما مصمم به ادامه دادن «آسمان شب برای همه هستم» و قصد دارم این پروژه را به سازمان ملل معرفی کنم. وب‌سایت پروژه هم تا چندروز آینده به دو زبان فارسی و انگلیسی آماده می‌شود که جنبه‌ای بین‌المللی به کار بدهم.» اکبر نعمتی که این روزها سخت مشغول کار و برنامه‌ریزی و هماهنگی است، مثل همه کسانی که یک چشم‌شان به آسمان است، از خیال‌پردازی غافل نیست. «همیشه آرزو داشتم یک روز بروم ایستگاه فضایی و زمین را از آن بالا نگاه کنم. در نودشه، موقع رصد، ایستگاه فضایی از بالای سرمان رد شد. از ذهنم گذشت که روزی چنان آرزویی داشتم و حالا دارم سعی می‌کنم کسان دیگری را در رویایم شریک کنم.»

پرونده

مسلمانی به‌شیوه «سانی ویلیامز»

ستاره راگبی نیوزیلندی که سال ۲۰۰۸ مسلمان شد، حالا مادر و همسرش هم مسلمان و باحجاب شدند و رفتارهای تحسین‌برانگیزش هر چندوقت یک بار خبرساز می‌شود

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

سال ۲۰۰۸ بود که خبر مسلمان شدن «سانی ویلیامز»، ستاره راگبی و تیم‌ملی بوکس نیوزیلند، سروصدای زیادی به پا کرد. حالا و به‌تازگی او با انتشار پستی در پیج شخصی‌اش اعلام کرده که همسرش هم به دین اسلام گرویده و باحجاب شده، مصرف الکل را ترک کرده و به رژیم غذایی حلال روی آورده است. چندوقت پیش هم دوست «سانی» با انتشار عکسی از یک مسجد در شبکه‌های اجتماعی از مسلمان شدن مادر و هم‌تیمی وی خبر داد. به همین بهانه و در مینی پرونده امروز زندگی سلام بیشتر با این ورزشکار مسلمان آشنا خواهیم شد.

قهرمان بوکس جهان و بازیکن حرفه‌ای راگبی

«ویلیامز» متولد ۱۹۸۵ است و در ابتدا بوکس کار می‌کرد، سپس به‌صورت حرفه‌ای به راگبی روی آورد. «سانی» حتی قهرمان بوکس جهان هم شده است. وقتی او ۲۵ ساله بود، در ماه رمضان برای برگزاری مراسم نماز جمعه در مسجد حاضر و سپس مسلمان شد. مراسم اعلام شهادتین وی در پارک مرکزی شمال سیدنی برگزار شد. حالا هم که ابراز ارادت وی به دین اسلام از طریق تصاویر و ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی‌اش منتشر می‌کند، کاملا مشخص است. یکی از آخرین فیلم‌های وی مربوط به ادای فریضه حج است.

متحول‌شدن سبک زندگی «سانی»

«طارق اسمیت» یکی از دوستان نزدیک وی می‌گوید: از وقتی که ویلیام دین اسلام را پذیرفت، نمازهایش را سر وقت می‌خواند. همچنین به‌طور کلی مصرف الکل را کنار گذاشته و به یک رژیم غذایی حلال روی آورده است. «جواد خان» نماینده فدراسیون انجمن اسلامی نیوزیلند هم درباره او گفته: «وفاداری وی به دین اسلام بر جامعه مسلمانان به خوبی روشن است. او مرتب به اصول عقاید اسلام عمل می‌کند و الگوی بزرگی برای جوانان است.»

خواهان اجرای ارزش‌های اسلام در ورزش

در سال‌های اخیر، او برای جلب توجه‌ها به ارزش‌های اسلام، تلاش کرده است. «سانی» چند سال پیش از فدراسیون راگبی نیوزیلند خواسته بود به او اجازه دهد لباسی را برتن کند که آرم شرکت سازنده مشروبات الکلی روی آن نباشد و گفته بود: «چنین درخواستی برگرفته از اعتقادات دینی من است.» در ضمن این بازیکن مسلمان تیم راگبی بلوز در اعتراض به وجود رباخواری بانک‌های غربی از پوشیدن پیراهن ورزشی با آرم آن‌ها اجتناب می‌کرد اما این ماجرا برایش دردسرساز شد چون در همین زمینه، نخست‌وزیر نیوزیلند به این تصمیم او انتقاد و اعلام کرد که این بازیکن اجازه ندارد خلاف رفتار تیمی خود عمل کند. بعد از این سخنان، مسئولان تیم راگبی نیوزیلند اعلام کردند «ویلیامز» هنگام تنظیم قرارداد‌ش با این تیم، به این موارد اشاره داشته و مسئولان تیم حق ندارند وی را مجبور به انجام امور تبلیغاتی برای بانک‌ها، امور مالی غیراسلامی، الکل، تنباکو و شرکت‌های مرتبط با قمار کنند. در ادامه سخنگوی بانک نیوزیلند اعلام کرد: «او حق دارد بر اساس باورهای مذهبی و سنت‌های دین خود عمل کند و این مسئله بین او و مسئولان تیم است.»

ماجرای تحسین «سانی» توسط حجت‌الاسلام زائری

چند سال پیش حجت‌الاسلام زائری، یک ویدئوی پربازدید از «سانی» را در پیج شخصی‌اش منتشر کرد و درباره‌اش نوشت: «مردم اسلام را از رفتار ما می‌شناسند و اثری که در زندگی ما گذاشته جست‌وجو می‌کنند، نه از شعارها و هیاهوها و ادعاهای‌مان! این ویدئو را حتما تا پایان ملاحظه فرمایید؛ زمانی که سال ۲۰۱۵ نیوزیلند در مسابقات جهانی راگبی، استرالیا را شکست داد، یک کودک نیوزیلندی می‌پرد توی زمین ورزشگاه تا با تیم‌اش عکس بگیرد، اما نیروهای امنیتی وی را تعقیب می‌کنند و بچه در مقابل بازیکن مسلمان نیوزیلندی «سانی ویلیامز» به زمین می‌افتد. بازیکن مسلمان نیوزیلندی پسربچه را بلند می‌کند و او را در آغوش می‌گیرد تا مانع از دستگیری او توسط نگهبانان شود. سپس سانی ویلیامز با پسربچه عکس یادگاری می‌گیرد و مدال گردن‌بند طلای خود را به گردن کودک می‌آویزد و می‌گوید: «این مدال توی گردن این بچه خوشگل تر است!» روز بعدش بسیاری از مردم نیوزیلند برای خرید کتاب‌های اسلامی در مرکزی که توسط این بازیکن ایجاد شده است، جمع شدند تا یک چیز را بدانند و آن این که واقعیت اسلام چیست؟»

مسلمان‌شدن همسرم، افتخارآمیزترین لحظه زندگی‌ام

«سانی» پس از تصمیم همسرش «آلانا» برای مسلمان و باحجاب شدن می‌گوید: «خدا را شکر همسرم مسلمان شد و تصمیم گرفت روسری سر کند و آن لحظه یکی از افتخارآمیزترین لحظات زندگی من بود. چیزی که آن را بسیار خاص‌تر می‌کند این است که می‌دانم او این کار را برای ا... و نه برای هیچ فرد دیگری انجام داده است.»

منابع این بخش از پرونده: تابناک، شفقنا، خبرگزاری حوزه، ورزش3